



در لحظاتی که زندگی خویش را مرور میکنیم، معمولاً به خودمان، به ویژه به تواناییهای جسمی اذنه‌مان فکر میکنیم. در برخی موارد شخصیت ما تنها بر یک کیفیت استوار است: «من یک دانشجوی هستم»، «من یک مهندس هستم». چیزی که برای ما ثبات به همراه دارد حقاً وقتی قابل اطمینان است که در این دگرگونی سریع و نامنظم جهان از آن آگاهی داریم. حال چه اتفاقی می‌افتد اگر دانشجوی بی‌یاش را از دست بدهد؟ دستهای مهندس به دلیل ورم مفاصل ناتوان گردد؟ آه، هر یک از این‌ها و به بیماری سخت دچار شوند و به بیمارستان چنان گسارش باد که بر که بر کارشان اثرگذارد؟ شخصی به طور ناگهانی با بیماری مواجه میگردد نه تنها فقدان کنترل برای او ناتوانی جسمی به‌بار می‌آورد، بلکه مرگ هویت و منزلت کاری او نیز فرا میرسد. چه اتفاقی می‌افتد هنگامی که بدنمان بیمار میشود و از آن نیروی گرمایی به خواسته‌هایمان حتی انجام حرکات ساده نداریم؟ علمی که خود باعث تشدید درد روانی در ما میگردد؟ فقدان خود را به‌صورت پدیده‌های هنجاری و روانشناختی متجلی میسازد.

همگی در آلود خواهیم مرد. هنگامی که با مرگ مواجه میشویم، راههای بسیاری برای مواجهه با آن داریم. میتوانیم بهتر از استفاده از زمان باقی مانده بپیماییم، آنکه چه زاری و افسوس خوردن آن را از دست بدهیم. اگر بتوانیم هر حسی را به‌طور طبیعی حفظ کنیم، باورهای دینی خود را از دست ندهیم، قطعاً به انتخابی روشن دست زده‌ایم. با این وجود ترس میتواند بر منطق اقله‌ما غلبه کند. ترس میتواند ما را از اثبات‌ترسین عقایدمان دور نماید. بنابراین در برخورد با بیماری و مشکلات خاص فقدان ترس نقشی کلیدی ایفا میکند.

توزیع جهانی بیماری‌ها به تدریج در حال تغییر است. این تغییر از دهه ۹۰ میلادی آغاز شده و هم‌اکنون در حال شتاب گرفتن است. جهت اصلی این تغییر تبدیل عوامل اصلی مرگومر از بیماری‌های واگیردار عفونی و سوءتغذیه به بیماری‌های واگیرناپذیر و افسردگی و بیماری‌های قلبی است.

انتظار این است که در ظرف ۲۰ سال آینده بیماری‌های واگیردار در کشورهای رو به توسعه عامل ۷ مرگ از هر ۱۰

مرگ باشد.

در کشورمان ز چندین انتظاری بد می است. به تدریج در سطح جامعه این احساس تبدیل به یک اعتقاد میگردد که همراه با ناپدید شدن به ماریهای خطرناک و کاهش انواع به ماریهای عفونی شناخته شد، به ماریهای قلبی، اختلالات روانی و رفتاری در حال افزایش است. دلیل این امر البته افزایش سطح خدمات بهداشتی درمانی در سطح کشور است.

سهم عمدهای از افزایش بار به ماریهای غریز و افزایش اختلالات روانی به عهده دارد. یافتههای مطالعات سازمان بهداشت جهانی حاکی است که از تلفات ۵۵ میلیون نفر ناشی از صدمات در سال ۱۹۹۰ «بالغین جوان» به شترین سهم را داشته و پس از حوادث رانندگی خودکشی و --- علت این مرگها بوده است. در هر سال، در میان زنان پانزده تا چهل و چهار ساله به عنوان مهمترین علت مرگ تنها سل جلوتر از خودکشی قرار دارد و فقط در چین ۱۸۰،۰۰۰ زن خود را کشتهاند.

تعریف خودکشی

خودکشی از دو لغت دارای ریشه لاتین Sui به معنی «خود» و Caedere به معنی «کشتن» مشتق شده است و در حال حاضر نه به صورت «خودکشتن» که به صورت خودکشی استعمال میشود. اولین بار این اصطلاح در سال ۱۷۳۷ توسط دفونن فرانسوی بهکار گرفته شد.

بر اساس تعریف مورد توافق جهانی خودکشی تنها راه و آخرین راه از بین بردن خودآگاهی فرد در مورد خود است.

اصطلاح خودکشی تنها زمانی مورد استفاده قرار میگیرد که اولاً شخص آگاهانه اقدام کرده باشد و ثانیاً منجر به از دست رفتن خود گردد. اما در صورتی که فردی اقدام به خودکشی نموده اما نتواند مرگباری نداشته باشد به آن «اقدام به خودکشی» یا «شبه خودکشی» (ParaSuicide) میگویند.

در شبه خودکشی انگیزه اصلی معمولاً مرگ نیست بلکه فرد برای انتقامجویی، قدرت‌نمایی، اعمال فشار یا جلب توجه به این کار میپردازد، ولی ممکن است منجر به مرگ هم شود.

علل خودکشی

الف- عوامل اجتماعی

مشکل تنها زندگی کردن، فقدان حمایت خانوادگی و وجود عوامل فشار (مانند طلاق، بیکاری --، از دست دادن نزدیکی، شکست در تحصیل و زندگی، سوءاستفاده جنسی، از دست دادن آبرو و حیثیت و ...)

ب- عامل روانشناختی و پزشکی

افکار و احساس پوچی، نوه دی، احساس گناه، افسردگی، اعتیاد، احساس شکست، بحرانهای حاد عاطفی، به ماریهای شدیدی روانی به ماریهای جسمی مانند سرطان، آیدز و هیپاتیت و ...

گروههای در معرض خودکشی

افراد زیر به شتر در معرض خطر خودکشی قرار دارند کسانی که:

- افسرده‌اند و افکار نوه‌دکننده دارند.

- سابقه اقدام به خودکشی دارند.

- سابقه اقدام به خودکشی در یکی از اعضای خانواده آنها وجود دارد.

- والدین آنها طلاق گرفته و از هم جدا شده‌اند.

- در خانواده آنها درگیری و اختلافات خانوادگی وجود دارد.

- مشکلات قانونی در امور مربوط به خود دارند.

- در زندگی و تحصیل شکست خورده‌اند.

- مورد سوءاستفاده عاطفی و جنسی قرار گرفته‌اند.

- از به هماری جسمی مزمن و طولانی رنج می‌برند.

- اعتیاد به مواد مخدر دارند.

- شکایت از سرد شدن از زندگی خود داشته و از خودکشی صحبت می‌کنند.

- اتفاقات ناگواری برای آنها رخ داده باشد.